



۲۰۱۶/۱۲/۰۱



محمد داؤد مومند

## نظر گذرا بر استعفاء محترم بناغلی جهانی

بناغلی جهانی در قسمت توضیح دلایل استعفاء خود، مطالبی را غرض آگهی هموطنان خود نگاشته و گویا کوشش نموده بعد از مدت دو سال، آنهم بعد از استعفاء، با هموطنان خود، درد دل کند، عادت همیشگی کرسی نشینان بزرگ دولت است، که بعد از برطرفی یا استعفاء و یا به عبارت عوام الناس «فالتو مشر شدن» به فکر هموطنان خود می افتند که من درین جا به صورت بسیار مجمل قسمت هایی از دلایل بناغلی جهانی را به زبان رسمی و درباری کشور، ترجمه و به عرض می رسانم.

جهانی می نویسد: «کسی که وظیفه محوله را به سر رسانیده نتوانست و یا در برابر عملی کردن پلان های خود، موانع را از سر راه خود دور کرده نتوانست، برای همچو شخص مانند من . . . استعفاء ضروری و راه شرافتمندانه است.

جهانی ادامه می دهد: دوستان نزدیک من از مدت طولانی به این طرف از من تقاضای استعفاء نمودند، ولی من به امید اینکه امروز یا فردا کارها درست خواهد شد . . . اقدام استعفاء را موکول ساختم. جهانی در پاراگراف دیگر چنین می نویسد: من در وزارت برای پیشبرد امور، به یک تیم کاری ضرورت داشتم، مگر در قسمت پیشنهاد معین، آتشه های کلتوری، و انتخاب یا تبدیل رؤسا، اکثر پیشنهاد های من رد گردید . . . و در طول یکنیم سال به منظور ملاقات با اشرف غنی صرف چهار بار و صرف برایم نیم ساعت وقت داده شد.

دست های من به صورت مطلق بسته بود . . . و تمام صلاحیت ها را یا ارگ یا اداره فاسد اصلاحات اداری از من سلب کرده بود، . . . یک وزیر تا زمانی مستعفی نشده حق انتقاد را ندارد و این حق زمانی حاصل می گردد که استعفاء کند . . .»

در پاراگراف اول فوق الذکر بناغلی جهانی به ارتباط استعفاء، در زمان مناسب به آن عمل نکردند، و در راه شرافتمندانه استعفاء، بدون یک دلیل موجه دو سال تعلل ورزیدند، هم چنان جناب شان به مشوره های خردمندانه دوستان واقعی خود در وقت و زمانش واقعی نگذاشتند و متکی به فرموده خود شان کار را به امروز و فردا محول ساختند و به اصطلاح روزگذرانی کردند، جهانی می نویسد که پیشنهاد او در مورد تقرر معین و غیره همکاران رد گردید، چنان معلوم می گردد که پیشنهاد تقرر معین که از اهمیت فوق العاده برخوردار است در همان مرحله اول رد شده است، که در حقیقت یک توهین بزرگ است به مقام یک وزیر.

جهانی مدعی است که دست های او کاملاً بسته بود و صلاحیت ها را ارگ و اداره فاسد اصلاحات اداری از او سلب کرده بود، سؤالی که نزد من در زمینه موجود است که آیا اداره اصلاحات اداری از اول فاسد بود و یا اینکه بناغلی جهانی در خواب غفلت بسر می برد و بعد از سپری شدن دو سال بخود آمد و فهمید که اداره فوق الذکر فاسد است. ولی حقیقت امر این است که جهانی صاحب شاید اصلاً از ترس سلب اعتماد از طرف شوری استعفاء داده باشد، نه نظر به دلایل ضعیفی که در قسمت توضیح استعفاء خود ابراز کرده اند. جهانی صاحب ادعا دارد تا زمانیکه یک وزیر، استعفاء نکند حق انتقاد را بر حکومت ندارد، نمی دانم ادعای بناغلی جهانی کدام دلیل قانونی دارد و یا صرف نظر شخصی خود جهانی صاحب است تا خود را برائت داده باشند، ولی به اساس نوشته علامه حبیبی، در عصر فرخنده غازی امان الله یکی از مشروطه خواهان انقلابی یعنی عبدالرحمن لودین گفت: «... من با این رژیم که به سبب اعمال نا جایز یک دسته مغرض نادان محکوم به فناسست به گوش شاه و درباریانش رسانیدم چون نشنیدند کابل را ترک گفتم... عنقریب این رژیم از پا می افتد و واژگون می شود.» علامه حبیبی می نویسد که دو سال بعد پیشبینی لودین حقیقت پذیرفت و رژیم امانی سقوط کرد.

جای تعجب فراوان خواهد بود که صد سال بعد از آن زمان وزیری، حق نداشته باشد بر اعمال نادرست حکومت انتقاد کند.

درین قسمت جریان دو سال قبل را که بناغلی جهانی تا هنوز وزیر نشده بود، خدمت هموطنان به عرض می رسانم، بدین معنی که بناغلی جهانی در یک مضمون خود عنوانی اشرف غنی در وب سایت افغان جرمن نوشت که: «اگر ما بخواهیم ترا ببینیم شاید مدت دو هفته را در بر بگیرد که نوبت ملاقات برای ما میسر شود و متأسفانه در جریان ملاقات نیز چاپلوسان دربار دورادور ترا گرفته و ما نخواهیم توانست مکونات قلبی خود را از ترس حضور آنان به شما ابراز کنیم...» چند وقتی از پیغام بناغلی جهانی تیر نشده بود که جناب شان وزیر کابینه اشرف غنی شدند که موجب تعجب فراوان من گردید و من تعجب خود را ضمن یک بیت که تضمینی بود از بیت رحمن بابا چنین اظهار داشتم:

## چی په یو قدم تر ارگه پوری درومی ما لیدلی دی رفتار د جهانی

و من ضمن یک مضمون در مورد وزارت جهانی مطالبی را در وب سایت افغان جرمن نوشتم که به صورت فشرده مطالبی از آن را ذیلاً به عرض می رسانم:

«... روشن نیست که بناغلی جهانی برای قبول چوکی وزارت چه شرایطی را به اشرف غنی ارائه نموده و احیاناً اگر همچو شرایطی ارائه شده باشد، آیا بناغلی جهانی حاضر است که محتویات آن شرایط را با هموطنان خود شریک سازد، قابل ملاحظه است که محترم جهانی توضیح نماید که متکی به کدام اهداف و منظور این مقام را پذیرفته اند؟ و یک مطلب بسیار مهم هم این است که برای تأمین و تطبیق این اهداف و مقاصد شان، به کدام سویه شرایط ملی و بین المللی را «منظور حاکمیت کلتوری و نفوذ فوق العاده سیاسی ایران در کشور ماست» مساعد دیده و به موفقیت خود و کار خود اطمینان دارد؟

من در دوام نوشته خود عنوانی بناغلی جهانی سؤالی را مطرح ساختم که به زعم بناغلی جهانی، از نظر کیفی چه تفاوت های میان حکومت حامد کرزی و اشرف غنی وجود دارد؟ زیرا از نظر من اسپ همان اسپ است و تنها زینش تبدیل شده است. سؤال آخری من عنوانی شاعلی جهانی این بود که چطور برای ایشان بحیث یک عنصر مترقی مقدور خواهد بود که زیر دست، دبل عبدالله معاش خور سی. آی. ای. کار کند، و فوتوی احمد شاه خمس الاسدی رهبر شورای زمرد روشن نظار، بالای سرش قرار داشته باشد. ختم